



## مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۱۹ - چهارشنبه ۵ آبان ۱۳۷۸

- سرمقاله**

**پیرامون سفر رئیس‌جمهور ایران به فرانسه**

۱
- یادداشت**

**حق تشکل و اعتصاب کارگران، لازمه روند توسعه است**

۱
- پیگرد و بازداشت دانشجویان در ایران ادامه دارد**

۱
- دمکراتیک بودن انتخابات منوط به حضور نیروهای غیرحکومتی است**

۱
- نامه سرکشاده ۲۴۰ نفر از فعالین سیاسی، روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان ملی و دموکرات کشور به رئیس‌جمهور**

۱
- به منظور ممانعت از شرکت در انتخابات مجلس ششم دادگاه روحانیت، عبدالله نوری را به ((ضدیت بانظام)) متهم کرد**

۱
- با تهدید جناح چپ اصلاح‌طلبان به ((آبستراکسیون)) محافظه‌کاران در موفقیت خود برای تصویب قانون تازه مطبوعات دچار تردید شده‌اند**

۱
- بازهم حذف حقوق شهروندی مخالفین**

۱
- عضو شورای منتخب دانشجویان متحصن به دو سال و نیم زندان محکوم شد**

۱
- هیات منصفه جدید مطبوعات برگزیده شد روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب ناراضی‌اند!**

۱
- پرونده قتل‌ها تازه است**

۱
- اطلاعیه دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

**پدر رفیق مهدی فتاپور در تهران به قتل رسید**

۱

**با کار تماس بگیرید**

## سرمقاله

## پیرامون سفر رئیس‌جمهور ایران به فرانسه

پاریس برای نخستین بار میزبان رئیس‌جمهور اسلامی ایران شده است. سفر قریب‌الوقوع محمد خاتمی به پاریس، که یک بار ظاهراً به دلیل اختلاف در آداب پذیرایی به تاخیر افتاد، از سوی هر دو طرف بسیار بااهمیت تلقی شده است. اهمیت این سفر نه تنها در بااهمیت خواندن آن از دو سو، بلکه همچنین بدلیل واکنش‌های مثبت و منفی بسیاری است که برانگیخته و قرار است برانگیزد. هم در ایران و هم در فرانسه احزاب و نیروهایی با انجام این سفر به دلایل مختلف مخالفت می‌کنند و بخشی از اپوزیسیون ایران نیز تلاش‌های بسیاری در جهت برهم زدن این سفر انجام داده است. به نظر می‌رسد که نفس سفر خاتمی به پاریس، بسیار بیشتر از مضمون گفت‌وگوهایی که بین او و مقامات فرانسوی صورت خواهد گرفت، جنجال‌برانگیز و مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته است. ما با سفر رئیس‌جمهوری ایران به فرانسه و سایر کشورهای اروپایی مخالف نیستیم اما برخلاف دولت‌های دو کشور و جناح اصلاح‌طلب حکومت ایران که می‌کوشند اهمیت اقتصادی این سفر را برجسته سازند، معتقدیم باید مسایل سیاسی در مرکز توجه این مسافرت قرار گیرد و از آن نتایج معینی به سود جنبش اصلاح‌طلبانه، دموکراتیک و حقوق بشر در ایران اخذ شود. بر همین اساس بر موارد زیر تاکید می‌کنیم:

۱. به اعتقاد ما دولت فرانسه، به عنوان نماینده ملتی که مهد دموکراسی لقب گرفته است، باید موضوع رعایت حقوق بشر در ایران را در محور گفتگوهای خود با رئیس‌جمهور ایران قرار دهد. این توجیه که آقای خاتمی با اقدامات ضددموکراتیک و سرکوبگرانه‌ای که در ایران می‌گذرد موافق نیست، به هیچ روی از مسئولیت او به عنوان رئیس‌جمهور کشور که در آن بطور گسترده‌ای حقوق مردم نقض می‌شود، مطبوعات یکی بعد از دیگری تعطیل می‌شوند و دانشجویان، روشنفکران و آزادیخواهان مورد پیگرد و سرکوب قرار می‌گیرند، کم نمی‌کند. باید از رئیس‌جمهور ایران خواست از مقام خود در حکومت و موقعیت خود در میان مردم ایران قاطعانه در جهت پایان دادن به اقدامات ضددموکراتیک و سرکوبگرانه در ایران استقاده کند و در این باره به افکار عمومی جهان تعهدات لازم را بسپارد.

۲. ما با برگزاری تظاهرات افشاگرانه، مسالمت‌آمیز و با هدف اعتراض به سرکوب دانشجویان، مطبوعات و آزادیخواهان ایران کاملاً موافق هستیم و از هر اقدامی در این جهت حمایت می‌کنیم. سفر آقای خاتمی به فرانسه موقعیت و فرصت مناسبی است که افکار عمومی جهانیان را متوجه سرکوب دموکراسی در ایران سازیم. باید با صدای بلند به جهانیان اعلام کرد و واقعیات امروز کشور ما به هیچ وجه آن نیست که آقای رئیس‌جمهور مایل است به جهانیان ارایه کند. افشای اقدامات ضددموکراتیکی که در ایران صورت می‌گیرد، نه به منظور مقابله با اصلاح‌طلبان و جنبش اصلاح‌طلبی در ایران، بلکه متوجه تقویت جنبش دموکراسی در کشور و جلب حمایت جهانی از آن است.

۳. ما مخالفت صریح خود را با اقداماتی که مجاهدین خلق طبق شواهد در صدد انجام آن هستند اعلام می‌کنیم و موافق تظاهرات خشونت‌آمیز و شعارهای تند و افراطی علیه رئیس‌جمهور ایران نیستیم. اپوزیسیون دموکرات ایران و میلیون‌ها مردمی که به خارج از کشور رانده شده‌اند می‌توانند مسافرت آقای خاتمی به پاریس را فرصتی سازند تا خواست‌های دموکراتیک خود را در برابر او قرار دهند و پاسخ‌های صریح و روشن او را بخواهند. میلیون‌ها ایرانی در خارج از کشور می‌توانند یک صدا اعلام دارند از خواست‌های ۲۴۰ نفر از آزادیخواهان، روشنفکران و هنرمندان ایرانی که نامه‌سرگشاده‌اشان به رئیس‌جمهور بی‌پاسخ مانده است، حمایت می‌کنند، می‌توانند از او بپرسند چرا به این نامه و ده‌ها نامه مشابهی که از سوی خانواده‌های قربانیان جنایات زنجیره‌ای، روشنفکران، نویسندگان و آزادیخواهان ایران خطاب به او نوشته شده است، پاسخ نمی‌دهد؟

۴. به اعتقاد ما هم دولت میزبان و افکار عمومی فرانسه و هم عموم ایرانیان و احزاب و سازمان‌های سیاسی آنان، باید در جریان سفر آقای خاتمی به فرانسه از او بخواهند:

با اعزام یک هیات بین‌المللی تحقیق پیرامون قتل‌های زنجیره‌ای در ایران موافقت کند. اکنون نزدیک به یک سال از انجام این قتل‌های هولناک می‌گذرد و هنوز پرونده این جنایات در راهروهای تو در تو سازمان قضایی نیروهای مسلح خاک می‌خورد. قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران نشان داده است خواهان روشن شدن دست‌های پشت‌پرده این قتل‌ها نیست، رسماً مخالفت خود را با حکم اعدام چهار تن از دانشجویان و آزادیخواهانی که در جریان تظاهرات دانشجویی تیر ماه گذشته دستگیر و به مرگ محکوم شده‌اند اعلام کند و از قوه قضاییه بخواهد این احکام اعدام را لغو کند، مخالفت آشکار خود را با سرکوب دانشجویان ایرانی اعلام دارد و از مسئولین قضایی کشور بخواهد دانشجویانی را که به دلایل دروغین به زندان‌های سنگین محکوم کرده‌اند، آزاد سازند،

مخالفت صریح خود را با سرکوب مطبوعات در ایران اعلام دارد و خواهان رفع توقیف از روزنامه‌های زن، سلام، نشاط و سایر روزنامه‌ها و نشریات توقیف‌شده بشود و اعتراض خود به تعطیل قریب‌الوقوع روزنامه خرداد را اعلام دارد، از قدرت و مسئولیت خود در جهت تامین حق همه مردم ایران، صرف‌نظر از اعتقادات و گرایش‌های سیاسی آنان، برای شرکت در انتخابات مجلس ششم بطور صریح و شفاف دفاع کند.

۵. میلیون‌ها ایرانی که به دلیل حکومت ترور و سرکوب از ایران رانده شده‌اند، باید از رئیس‌جمهور حکومت اسلامی بخواهند که تضمین‌های لازم و کافی برای بازگشت پناهندگان سیاسی به کشور را اعلام کند، به تعهدات خویش در باره ((آزادی مخالفین)) وفادار بماند و همه کوشش‌های خود را برای هموار کردن فعالیت آزادانه احزاب و سازمان‌های سیاسی مخالف که به مبارزه مسالمت‌آمیز در کشور خود تعهد می‌سپارند، به کار گیرد.

## یادداشت

### پیرامون ((همایش ملی کار)) و برخی نتیجه‌گیری‌ها از آن حق تشکل و اعتصاب کارگران، لازمه روند توسعه است

((همایش ملی کار)) که به مدت چهار روز و به منظور بررسی مسایل مختلف کار در تهران برپا شده بود با صدور قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد. محافل وابسته به سرمایه‌داری ایران، حتی بخش‌های اصلاح‌طلب آن، بدون این که صدای کارگران در اعتراض به اخراج‌های دسته‌جمعی، فقر فزاینده، شرایط طاقت‌فرسای کار و سایر مشکلات کارگران را بشنوند و به روی خود بیاورند، شادمانه با این نتیجه رسیدند که ((سرانجام دو طرف در فضای گفت‌وگو مطرح شده از سوی رئیس‌جمهور، طریق مذاکره را برگزیده‌اند و راه را بر ((نبرد طبقاتی)) یا هر آنچه که مانند آن است، می‌بندند!!)) آیا واقعا چنین است؟

کارگران و زحمتکشان، اکثریت جامعه ایران را تشکیل می‌دهند. روند اصلاحات و توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، اگر متکی به حمایت کارگران و زحمتکشان نباشد، محکوم به شکست است. در سال‌های اخیر، کارگران و زحمتکشان ایران حد رشد و آگاهی سیاسی خود را با حمایت از گشایش سیاسی و پشتیبانی از جنبش دوم خرداد نشان داده‌اند. اگر این حمایت نبود، بی‌شک آرای میلیونی به اصلاحات در انتخابات دوم خرداد و شوراهای محلی داده نمی‌شد. کارگران و زحمتکشان ایران هر روز بیشتر درمی‌یابند که بهبود وضع زندگی آنان منوط به دستیابی به حقوق فردی، صنفی و اجتماعی در چارچوب روند عمومی گشایش جامعه است. دیگر حنای ((دیکتاتور مصلح)) که مردم را به رفاه و آسایش رهنمون شود، رنگی ندارد. هشت سال زمامداری رفسنجانی نشان داد در ایران، توسعه اقتصادی بدون توسعه سیاسی امکان‌پذیر نیست. از عوامل مهم روی آوردن کارگران و زحمتکشان ایران به حمایت از جنبش دوم خرداد، ورشکستگی سیاست ((سردار سازندگی)) بود.

گسترش و پاسداری از این آگاهی در میان کارگران و زحمتکشان ایران، برای آینده روند گشایش سیاسی در ایران اهمیت حیاتی دارد. تنها در صورتی که اکثریت زحمتکش جامعه ایران به عین دریابد که احقاق حقوق صنفی و اجتماعی‌اش در گرو پیشرفت اصلاحات سیاسی است، پشتیبانی درازمدت کارگران و زحمتکشان از روند اصلاحات که شرط بقای آن است، تامین خواهد شد. در مقابل، اگر جنبش اصلاحات درنیابد که نیازمند حمایت اکثریت زحمتکش جامعه است، اگر اصلاح‌طلبان از کارگران و زحمتکشان خواهان حمایت از روند گشایش سیاسی شوند، اما نپذیرند که احیای حقوق اقتصادی، اجتماعی و صنفی کارگران، بخش تفکیک‌ناپذیر گشایش سیاسی است، جدایی کارگران و زحمتکشان از روند اصلاحات و در نهایت شکست این روند را رقم زده‌اند.

از حقوق مسلم کارگران و زحمتکشان که در منشورهای بین‌المللی حقوق کار به رسمیت شناخته شده است، حق تشکل در اتحادیه‌های مستقل است. این حق نیز بدون بهره‌مندی از ابزار پیشبرد خواست‌های زحمتکشان و از جمله حق اعتصاب، بی‌محتواست. در برابر سرمایه‌داران که از سلاح‌های مختلف مانند اخراج برای واداشتن کارگران به پذیرش شرایط استثمار بهره می‌گیرند، کارگران باید بتوانند به حربه اعتصاب متوسل شوند.

جنبش اصلاحات سیاسی در ایران، همگون نیست. در این جنبش، علاوه بر نیروهایی که معتقد به پیوند بین آزادی و عدالت اجتماعی‌اند، نمایندگان سیاسی بخش ناراضی سرمایه‌داری ایران نیز حضور دارند و می‌کوشند روند اصلاحات را در محدوده منافع پایگاه اجتماعی خود نگه دارند. این نیروها هر از چندی کارگران و زحمتکشان را به ((قناعت)) فرا می‌خوانند و چنین وانمود می‌کنند که گویا جنبش مطالباتی کارگران، در این شرایط به ضرر روند اصلاحات عمل می‌کند. از نمونه‌های چنین موضع‌گیری‌هایی، مقاله‌ای است که در شماره ۲۵ مهر روزنامه آزاد به چاپ رسیده است و در ابتدای این یادداشت به جمله‌ای از آن اشاره کردیم. در این مقاله، نگارنده مدعی شده است: ((در غرب، دیرزمانی است که هم کارگران و هم کارفرمایان، نیک دریافته‌اند که حتی ادامه زندگی هر یک بدون دیگری نیز ممکن نیست... هم از این رو است که از سالها پیش پدیده اعتصاب در غرب بسیار کم‌رنگ و حتی نادر است.)) نمی‌دانیم نویسنده مقاله برای دادن این حکم از کدام منابع استفاده کرده است. آنچه ما می‌دانیم این است که در غرب چند سالی است که کارفرمایان در روندی که به جهانی شدن معروف شده است، یورش بی‌سابقه به حقوق کارگران را پیش می‌برند. کارگران، صد صد و هزار هزار و ده‌هزار ده‌هزار اخراج می‌شوند و سرمایه، به جایی می‌رود که سود، بیشتر باشد. سرمایه، غم ادامه زندگی کارگران را ندارد. در مقابل، کارگران ناگزیر از متوسل شدن به حربه اعتصابند. در همین چند سال اخیر، اروپای غربی شاهد مبارزات اعتصابی میلیون‌ها کارگر علیه موج اخراج و عواقب ضدکارگری ((جهانی شدن)) بوده است. در کشوری مثل کشور ما، که ۲۰ سال است اتحادیه‌های مستقل کارگری سرکوب شده‌اند و حکومت به اعتصابات و مبارزات صنفی کارگران با سرنیزه و زندان پاسخ داده است، دعوت از کارگران که از حربه اعتصاب چشم‌پوشی کنند، بیشتر به یک شوخی شباهت دارد. امثال نویسندگان مقاله ((آزاد)) اگر هم معتقد به نظریه کهنه‌شده آشتی طبقاتی‌اند، باید نخست حقوق کارگران را به رسمیت بشناسند و بعد کارگران را به ((همگرایی)) دعوت کنند.

برای کارگران ایران که بار اصلی بحران اقتصادی را بر دوش دارند، برای زحمتکشان ایران که از صبح تا شب، از بزرگ تا کوچک خانواده، صبح تا شام برای یک لقمه نان می‌دوند، این جمله روزنامه آزاد که هر سوی مبارزه طبقاتی ((نکوشد کیسه خود را از انبان دیگری پر کند))، در بهترین حالت نمی‌تواند چیزی جز ریشخند تمسخر برانگیزد.

## پیگرد و بازداشت دانشجویان در ایران ادامه دارد

چهار تن از اعضای شورای منتخب دانشجویان متحصن، همزمان با یکصدمین روز فاجعه کوی دانشگاه تهران، در یک نشست دانشجویی به دستگیری گسترده دانشجویان و عدم محاکمه عاملین حمله به کوی دانشگاه اعتراض کردند.

رضا فرید عضو این شورا دستگیری جمعی دانشجویان از سوی نهادهای امنیتی و انتظامی را محکوم کرد و کندی روند رسیدگی به پرونده جنایت کوی دانشگاه و حادثه دانشگاه تبریز را مورد انتقاد قرار داد. رضا فرید گفت: گزارش شورای منتخب متحصنین در مورد آخرین آمار رسمی کشته‌شدگان، مجروحان و دستگیر شدگان وقایع کوی دانشگاه هفته آینده منتشر خواهد شد. مقامات رسمی حکومت، هنوز نیز کشته شدن دانشجویان در جریان حمله وحشیانه به کوی و تظاهرات بعدی را انکار می‌کنند. عضو شورای منتخب دانشجویان متحصن یادآور شد: دادگاه انقلاب برخی از دانشجویان دستگیر شده را به زندانهای طویل‌المدت محکوم کرده است که از جمله آنها احمد باطنی است که تصویر وی در حالی که یک پیراهن خونین در دست داشت در مطبوعات منتشر شده بود. او به همین اتهام به ۱۰ سال زندان محکوم شده است.

فرخ‌فر یکی دیگر از اعضای شورای منتخب متحصنین، یکی از اهداف عمده جنبش دانشجویی را حمایت از اصلاحات خواند و گفت: ما طبق قراری که با دانشجویان داشتیم سعی کردیم گزارش کوی را به همه مسئولان ارائه دهیم، اما متأسفانه برخی مسئولان از جمله آقای باهنر حتی حاضر نشد گزارش ما را بشنود. البته وزارت کشور همکاریهای مثبتی را در این زمینه با ما انجام داد.

امین‌زاده عضو دیگر این شورا در پاسخ به این سوال که چرا از واقعه دانشگاه تبریز سخنی به میان نیامد، گفت: جریان تبریز از این قرار بود که وقتی دانشجویان تبریز نسبت به واقعه کوی دانشگاه معترض شدند، عده‌ای در مسجد نزدیک دانشگاه اجتماع کردند و در حالی که مسلح شده بودند با ادعای مقابله با فتنه به دانشجویان حمله کردند و آن قتل اتفاق افتاد و همان طور که می‌دانید اخبار و جریانات آن درست منعکس نشد.

شهیدی‌پور عضو دیگر شورای منتخب متحصنین در مورد دستگیری عاملان حمله به کوی دانشگاه اظهار داشت: پس از فشارهای زیاد از سوی شورای منتخب در مورد مجازات عاملان حمله به کوی دانشگاه، معاون تیمسار لطفیان به ما گفت که چند نفر را در این رابطه دستگیر کرده‌ایم، اما شما این مطلب را منعکس نکنید چون من تکذیب می‌کنم. وی افزود: حالا نیز با توجه به اینکه هیچ اطلاعی در مورد این قضیه منتشر نشده است بعید به نظر می‌رسد که اقدامی در این مورد صورت گرفته باشد.

### بازدید رئیس‌جمهور از کوی

در همین حال آقای خاتمی رئیس‌جمهور، به مناسبت صدمین روز جنایت کوی، در کوی دانشگاه حاضر شد و ضمن دیدار با گروهی از دانشجویان، خواستار سرعت یافتن محاکمه عاملان این جنایت گردید.

وی در نشست با مسئولان دانشگاه تهران گفت: ((در ملاقات با رئیس قوه قضاییه نیز بر برخورد ((آشکار)) و ((سرعت عمل)) نشان دادن در خصوص رسیدگی به مساله حادثه کوی دانشگاه تاکید کردم)). خاتمی گفت که در دیدارش با رییس قوه قضاییه از وی تقاضا کرده است تا با عوامل حادثه کوی دانشگاه، برخورد جدی صورت بگیرد. او در عین حال تصریح کرد: ((هیچ کار شتاب‌زده‌ای را نمی‌پسندم. باید با دقت و تانی برخورد کنیم که حتی حقی از متهم هم ضایع نشود)). وی گفت: ((باید با کسانی که متهم هستند برخورد مناسب قانونی صورت بگیرد)). خاتمی گفت: ((برخورد با عوامل این حادثه سبب خواهد شد تا در آینده کسانی هوس تکرار چنین جنایاتی را نکنند)).

رئیس‌جمهور در سخنان خود بار دیگر دانشجویانی را که به تظاهرات خیابانی اقدام کردند، محکوم نمود و از آن‌ها به عنوان عناصر ((ناراحت)) نام برد و گفت: ((به دنبال آن حادثه، یک سری اغتشاش و بلواهای خیابانی رخ داد که برخی از عناصر فرصت‌طلب و ناراحت تلاش کردند تا از این واقعه سوءاستفاده کنند)). خاتمی مدعی شد: ((جامعه دانشگاهی ما که در عرصه حیات سیاسی خود را پویا و زنده احساس می‌کند، با هوشمندی و تدبیر خود را از آن جریان‌ها جدا کرد و نشان داد که یک جریان مستقل، پاک و یک کانون مسئولیت‌شناس، روشن و بیدار است)).

خاتمی بار دیگر از دانشجویان خواست آرامش خود را حفظ کنند، وی گفت: ((جامعه دانشگاهی انتظاراتی را که به نظر من نیز برآورده نشده بود در درون خود حبس کرد و این نشانه رشد و غنای فکری و فرهنگی جامعه دانشگاهی ماست)).

### دمکراتیک بودن انتخابات منوط به

### حضور نیروهای غیرحکومتی است

همانگونه که در شماره پیشین ((کار)) خبر دادیم، گروهی از فعالان سیاسی و فرهنگی که عمدتاً در مطبوعات اصلاح‌طلب گرد آمده‌اند و وابستگی به جناح‌های موجود حکومت ندارند، در صدد مشارکت فعال و متشکل در انتخابات مجلس ششم

برآمده‌اند و شنیده‌ها حاکی است در صدد انتشار لیستی جدا از لیست‌های جناح‌های موجود برای انتخابات هستند. ما این

گرایش و اقدام را به فال نیک می‌گیریم و ملاحظاتی را در مورد آن بیان می‌داریم:

در نیروهای اصلاح‌طلب ایران، این اندیشه رو به تقویت است که توسعه سیاسی نمی‌تواند به رقابت کمابیش آزاد جناح‌های حکومتی محدود شود. نظر به نزدیک‌تر شدن انتخابات مجلس، درک ضرورت فرا رفتن روند اصلاحات از محدوده نیروهای

وابسته به حکومت، اهمیت روزافزونی می‌یابد. اگر توسعه سیاسی به معنای ایجاد شرایط مشارکت گسترده آحاد جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و هدایت کشور باشد، نمی‌توان پذیرفت که مردم از امکان انتخاب کردن نیروهای غیرحکومتی محروم بمانند. رهبری جمهوری اسلامی همواره با دادن این هشدار به جناح‌های حکومتی که درگیری‌های آنان به تقویت ((نیروی سوم)) و جریان‌های خارج از حکومت منجر می‌شود، کوشیده است پاسدار انحصار قدرت در دست نیروهایی باشد که ۲۰ سال است امکان مشارکت واقعی و آزاد مردم در صحنه سیاست را گرفته‌اند. ((نیروی سوم)) در ذهن رهبران جناح‌های حکومتی، خطری جدی است که با هر وسیله ممکن باید جلوی تقویت آن را گرفت. از سوی دیگر در جامعه و در میان پیروان جدی و پیگیر اندیشه اصلاحات و گشایش سیاسی، حد پیشرفت روند اصلاحات با میزان حضور و آزادی ((نیروی سوم)) سنجیده می‌شود. آنچه به نظر ما ضروری می‌رسد، علاوه بر دفاع پیگیر از حضور و آزادی ((نیروی سوم)) در انتخابات، صراحت بیشتر در تعریف این نیرو است. این جمله که ((آزادی یعنی آزادی دگراندیش)) دیگر به تکیه کلام بسیاری از شخصیت‌ها و از جمله آقای خاتمی تبدیل شده است. اگر تکرارکنندگان این جمله به معنای واقعی آن بیاندیشند، درمی‌یابند که نمی‌توان به این گفتار اعتقاد داشت و در عین حال، میان دگراندیشان نیز تمایز و تبعیض قائل شد. در شرایطی که حکومت، می‌رفت تا با حذف تک‌تک نیروهای سیاسی، انحصار قدرت خود را برقرار کند، متأسفانه بسیاری از نیروهای سیاسی (و ما خود را نیز از این انتقاد مستثنی نکرده‌ایم) طبق این شعار عمل کردند که ((سرکوب بد است، اگر دامن من را بگیرد)). اکنون نیز این خطر وجود دارد که بسیاری از نیروهای سیاسی از این شعار پیروی کنند که ((آزادی خوب است، اگر شامل من هم بشود)). با چنین اسلویی، نمی‌توان یاری‌رسان واقعی روند گشایش سیاسی بود. این روند، به شرطی موفق است که همه نیروهای سیاسی، افزون بر آزادی خویش، آزادی نیروهایی که نسبت به خود آنها فاصله بیشتری از حکومت دارند را نیز بطلبند. اگر چنین نشود، مطالبه گسترش اصلاحات تا حد یک بدهستان سیاسی با حکومت تنزل می‌کند.

الگوهای چنین معامله‌هایی فراوانند. خامنه‌ای حاضر است از خاتمی تمجید کند به شرطی که رئیس‌جمهور با برنامه توسعه سیاسی که به اعتبار آن آرای مردم را از آن خود کرد، وداع کند. برخی شخصیت‌های حکومتی به شرطی حاضرند از آزادی نیروهای سیاسی خارج از حکومت دفاع کنند که این نیروها ولایت فقیه را بپذیرند. متأسفانه این اسلوب، محدود به درون حکومت نیست. برخی نیروهای اپوزیسیون، میان بخش‌های ((میان‌روتر)) و ((رادیکال‌تر)) اپوزیسیون، دیوار چین می‌کشند و حاضرند محدوده قانون اساسی جمهوری اسلامی را برای تعیین ملاک تشخیص ((مستحقان)) آزادی بپذیرند. این اسلوب، گره‌گشای پیشرفت اصلاحات سیاسی نیست. اگر نیروهای اصلاح‌طلب، مطابق این اسلوب عمل کنند، دیر یا زود اعتماد مردم را از دست خواهند داد و مردم به این باور خواهند رسید که دفاع آنان از آزادی، شعاری فرصت‌طلبانه برای بهره‌مند شدن از ثمرات اصلاحات بیش نیست. برای آنکه چنین نشود، دفاع پیگیر از آزادی همه نیروهای سیاسی، از جمله نیروهای اپوزیسیون، ضرورت یافته است. انتخابات مجلس، فرصت مناسبی است که مردم قضاوت کنند چه کسانی کاسبکارانه زیر علم دوم خرداد سینه می‌زنند و چه کسانی واقعا به اهداف توسعه سیاسی پایبندند.

### نامه سرگشاده ۲۴۰ نفر از فعالین سیاسی، روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان ملی و دموکرات کشور به رئیس‌جمهور

## تا دیر نشده از اختیارات قانونی و قدرت مردمی خود استفاده کنید!

۲۴۰ نفر از فعالان سیاسی، نویسندگان، روشنفکران، حقوق‌دانان و هنرمندان کشور با انتشار نامه سرگشاده‌ای خطاب به آقای محمد خاتمی از سرکوب آزادی‌ها و حقوق مردم ابراز نگرانی کرده و از رئیس‌جمهور خواستند مانع کشاندن غیرقانونی منتقدان و دادخواهان به دادگاه و محکوم شدن آنان و تعطیل رونامه‌ها شود و از لوٹ شدن مسئولیت آمران و عاملان سرکوب‌ها و تزییع مزورانه حقوق مردم جلوگیری نماید.

در این نامه آمده است: ((باز هم می‌رود که موج تازه‌ای از اندوه اجتماعی در پس موج نگرانی‌ها فرا رسد و بازمانده امیدها را با خود ببرد)). نویسندگان نامه سرگشاده، با اشاره به حکم اعدام چهار نفر از سوی دادگاه‌های جمهوری اسلامی نوشته‌اند: ((این احکام بدون رعایت طبیعی‌ترین حقوق قانونی متهمان، از جمله دادرسی علنی، دسترسی به امکانات قانونی و بدون داشتن وکیل صادر شده است)). امضاکنندگان نامه رئیس‌جمهور را مسئول اجرای قانون اساسی دانسته و افزوده‌اند: ((همه ما واقعیت‌های جریان دانشجویی را با گوش و چشم و اندیشه شنیدیم و دیدیم و درک کردیم. همه ما گزارش کمیته تحقیق را که متأسفانه با برخی چشم‌پوشی‌ها و در نهایت احتیاط سخن گفت، خواندیم. هر چند که روال بررسی کار از طرف این کمیته به مذاق برخی خوش نیامد. آنچه باید به طور عاجل انجام می‌گرفت دستگیری و محاکمه عادلانه و علنی مهاجمان و رهبران‌شان بود. اما اکنون حتی گزارش همین کمیته تحقیق از سوی ریاست دادگاه استان تهران نفی می‌شود. اکنون ماجرا وارونه شده و دست‌هایی دیگر دراز می‌شوند تا دنباله ماموریت جوخه‌های مرگ موسوم به محفلی را علیه دگراندیشان و منتقدان سیاسی و نویسندگان آزاد این سرزمین به انجام برسانند)). در این نامه همچنین گفته شده: ((آقای رئیس‌جمهور! در حالی که موضوع قتل‌های زنجیره‌ای که قطعاً محدود به آن ۴ قربانی نبوده است، هر روز در غبار ابهام بیشتری فرو می‌رود، با شتاب احکامی صادر شده است که هیچ توجیهی ندارند و این در حالی است که مسئولان شناخته شده این مصیبت‌های سنگ‌دلانه، بی‌هیچ

خوفی در این کشور آزادانه تهدید به گرفتن و بستن و کشتن می‌کنند)). امضاکنندگان نامه سرگشاده یادآوری کرده‌اند: ((موجی از اضطراب و یاس نسبت به توان پاسخ‌گویی قانون‌مداران، مردم را فرا گرفته است و این روند، جامعه را به واکنشی مهارناشدنی خواهد کشید)). در پایان این نامه آمده است: ((آقای رئیس‌جمهور! تا دیر نشده است با استفاده از اختیارات قانونی و قدرت مردمی خود کاری کنید که از کشاندن غیرقانونی منتقدان و دادخواهان به دادگاه و محکوم کردن آنها و تعطیل روزنامه‌ها، از لوٹ کردن مسئولیت آمران و عاملان سرکوب‌ها و تضییع مزورانه حقوق مردم جلوگیری به عمل آید و اگر چنین نشود مهمترین سرمایه یعنی حمایت مردم از دست خواهد رفت)).

این نامه را از جمله افراد زیر امضا کرده‌اند: علی اردلان، عباس امیرانتظام، محمدرضا باطنی، بهروز برومند، محمد بسته‌نگار، سیمین بهبهانی، مهدی بهشتی، علی‌اکبر بهمنش، منصور بیات‌زاده، صفا پوینده، انور خامه‌ای، روشنگ داریوش، علی‌اشرف درویشیان، فریبرز رییس دانا، حسین راضی، ناصر زرافشان، احمد ساعی، عزت‌الله سبحانی، حسین شاه‌حسینی، احمد صدر حاج‌سیدجوادی، شیرین عبادی، محمود صوراسرافیل، محمود عبادیان، رضا علیجانی، نظام‌الدین قهاری، کاظم کردوانی، شهلا لاهیجی، مریم مختاری (حسین‌زاده)، علی‌اکبر معین‌فر، نسترن موسوی، محمود نکورو، پرویز ورجاوند و داود هرمیداس‌باوند.

## به منظور ممانعت از شرکت در انتخابات مجلس ششم دادگاه روحانیت، عبدالله نوری را به ((ضدیت‌بانظام)) متهم کرد

روز بیستم مهر ماه گذشته، دادگاه ویژه روحانیت با انتشار یک کیفرخواست ۴۴ صفحه‌ای، عبدالله نوری مدیر مسئول روزنامه خرداد را به دادگاه احضار کرد.

### سنگین‌ترین کیفرخواست

کیفرخواست ۴۴ صفحه‌ای محمدابراهیم نکونام، دادستان ویژه روحانیت علیه عبدالله نوری و روزنامه خرداد، در محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران، سنگین‌ترین اتهام مطبوعاتی خوانده شده است که تا کنون از سوی دادگاه‌های جمهوری اسلامی علیه کسی صادر شده است. دادگاه ویژه روحانیت اتهامات عبدالله نوری را موارد زیر اعلام کرده است:

توهین و افترا به مسئولین و دستگاه‌های وابسته به نظام و نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی یا اضرار به غیر و فعالیت تبلیغی بر علیه نظام، مقابله با نظرات و دیدگاه‌های آیت‌الله خمینی و اهانت به وی، نشر مطالب مخالف موازین دینی و اهانت به مقدسات مذهبی. موارد دیگر اتهام عبدالله نوری عبارتند از: تبلیغ رابطه با آمریکا، ترغیب به شناسایی اسرائیل، تبلیغ به نفع نهضت آزادی، دفاع از جبهه ملی، ترویج سیاسی آیت‌الله منتظری، تشویق به مبارزه علیه برخی احکام مسلم اسلام، تضاد عقلانیت و دین، نسبیت حق و باطل.

از جمله شاکیان عبدالله نوری طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله ایروانی، بسیج دانشجویی، صدا و سیما، ستاد احیا امر به معروف و نهی از منکر (با ۲۸ مورد) و حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی هستند که در مطبوعات ایران از آنان به عنوان ((شاکیان حرفه‌ای)) نام برده می‌شود.

دادگاه عبدالله نوری که ابتدا قرار بود در ۲۸ مهر ماه برگزار گردد، به درخواست او به تعویق افتاد. نوری علت درخواست خود را داشتن فرصت مناسب برای تعیین وکلای خود اعلام کرده است.

### اقدامی سیاسی

تقریباً هیچکس در این نکته تردید ندارد که انتشار کیفرخواست علیه عبدالله نوری و کشاندن او به دادگاه با این هدف صورت می‌گیرد که روزنامه خرداد را در آستانه انتخابات مجلس تعطیل کنند، مانع شرکت عبدالله نوری در انتخابات شوند و اصلاح‌طلبان را از کسی که می‌توانست کاندید مشترک آنان برای ریاست مجلس آینده باشد، محروم کنند. اتهامات علیه عبدالله نوری به شکلی تنظیم شده است که به محکومیت قطعی او بیانجامد. آگاهان سیاسی در تهران اعتقاد دارند اگر تلاش‌های اصلاح‌طلبان برای تعویق دادگاه به سرانجام نرسد و دادگاه نوری برگزار شود، او قطعاً محکوم و روزنامه خرداد تعطیل خواهد شد.

با این حال تلاش گسترده‌ای از سوی هواداران اصلاحات در ایران صورت می‌گیرد تا نقشه محافظه‌کاران برای از دور خارج کردن عبدالله نوری به موفقیت نرسد. طی دو هفته گذشته، بیشترین موضع‌گیری‌ها علیه دادگاه قریب‌الوقوع روزنامه خرداد بوده است و ده‌ها نماینده مجلس، اعضای دولت، تشکل‌های سیاسی وابسته به جبهه دوم خرداد، روزنامه‌های اصلاح‌طلب، به اعتراض علیه اقدام دادگاه ویژه روحانیت برخاسته‌اند و بار دیگر جایگاه این نهاد خودسر و غیرقانونی را نیز مورد تردید قرار داده‌اند. از جمله مهمترین این موضع‌گیری‌ها، بیانیه مشترک دوازده تشکل اصلاح‌طلب وابسته به جناح چپ حکومت و همچنین بیانیه جبهه مشارکت اسلامی علیه محاکمه عبدالله نوری بود. در تمام این بیانیه‌ها و موضع‌گیری‌ها، هدف این اقدام دادگاه ویژه روحانیت حذف عبدالله نوری از انتخابات مجلس ششم عنوان شده است.

## رای دادگاه غیرقانونی نافذ نیست!

در همین حال عبدالله نوری در یک سخنرانی در دانشگاه علم و صنعت، که بعد از انتشار کیفرخواست دادگاه ویژه روحانیت علیه او صورت گرفت، خواستار پخش مستقیم جریان محاکمه خود از رادیو و تلویزیون شد. این سخنرانی که با استقبال بی‌سابقه دانشجویان و حضور ده‌ها خبرنگار داخلی و خارجی برگزار شد، میزان محبوبیت عبدالله نوری یکی از شجاعترین و رادیکال‌ترین اصلاح‌طلبان حکومتی در بین جوانان و دانشجویان را به نمایش گذاشت. نوری در این سخنرانی با غیرقانونی خواندن دادگاه ویژه روحانیت گفت: ((زمانی که مشخص شد قرار است من نامزد انتخابات مجلس شوم و این امر محرز گردید، دادگاه ویژه روحانیت کیفرخواست مرا آماده کرد. اما اگر دادگاه مرا محکوم هم بکند باز هم برای انتخابات مجلس ششم ثبت نام خواهم کرد. زیرا وقتی دادگاه رسمی و قانونی نباشد حکمش هم نافذ نخواهد بود)).

نوری در عین حال گفت اگر روزنامه خرداد از سوی دادگاه ویژه روحانیت تعطیل شود، گردانندگان فعلی این روزنامه، روزنامه دیگری را منتشر خواهند کرد. در همین حال خبرها حاکی است دست‌اندرکاران خرداد مذاکراتی را با غلامحسین کرباسچی که امتیاز نشریه ((هم‌میهن)) را دارد آغاز کرده‌اند که در صورت تعطیلی خرداد، ((هم‌میهن)) را به جای آن منتشر کنند.

## طاهری: وکالت نوری را برعهده می‌گیرم

به دنبال مخالفت دادگاه ویژه روحانیت با سه نفر از وکلای پیشنهادی عبدالله نوری، آیت‌الله جلال طاهری امام جمعه اصفهان، که از روحانیون برجسته هوادار آیت‌الله منتظری است، در نامه‌ای به او اعلام کرد حاضر است وکالت وی را در دادگاه ویژه روحانیت برعهده بگیرد. طاهری ضمن تجلیل پرشور از عبدالله نوری نوشت: ((علی‌رغم بیماری و ضعف مزاج و شرایط سنی، وظیفه خود دیدم به شما اعلام کنم اینجانب آماده‌ام وکالت شما را در این دفاع بپذیرم و با اطمینان خاطر می‌گویم که این دفاع را به عنوان خدمتی بزرگ ذخیره قیامت خود قرار خواهم داد)).

نامه آیت‌الله طاهری که در میان جناح‌های حکومتی از قدرت و اعتباری برخوردار است و اعلام آمادگی او برای وارد شدن به این ماجرا، نشانه آن است که جناح حکومتی اصلاح‌طلبان نمی‌خواهد اجازه دهد عبدالله نوری نیز به سادگی موسوی خوئینی‌ها، قربانی دادگاه ویژه روحانیت و نقشه‌های محافظه‌کاران شود.

## انگشت رفسنجانی؟

در برخی محافل مطبوعاتی، حذف عبدالله نوری از انتخابات ششم به این منظور ارزیابی شده است که راه برای ریاست رفسنجانی در مجلس آینده هموار شود. رفسنجانی در این انتخابات به بازی پیچیده‌ای دست زده است و به تعبیر سعید حجاریان ((با چراغ‌های خاموش به مجلس ششم نزدیک می‌شود)). برخی از روزنامه‌نگاران بدبین به رفسنجانی این احتمال را بطور غیرمستقیم عنوان کرده‌اند که برنامه حذف عبدالله نوری از سوی محافظه‌کاران، بدون موافقت هاشمی رفسنجانی نبوده است. روزنامه آریا از قول عمادالدین باقی، روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب نوشت: ((اگر آقای هاشمی با حذف عبدالله نوری به صحنه انتخابات مجلس ششم بیاید، افکار عمومی چنین تصور می‌کند که ایشان دست به یک کار غیراخلاقی زده است)). باقی نوشت: ((هرچند من معتقدم ایشان هیچ نقشی در این ماجرا ندارند، افکار عمومی ورود ایشان را به حساب یک رفتار غیراخلاقی می‌گذارد و نتیجه طبیعی‌اش این خواهد بود که افکار عمومی واکنش منفی گسترده‌ای نشان می‌دهد و آقای هاشمی قهرا در انتخابات شکست خواهد خورد)). این روزنامه‌نگار افزود: ((به نظر من تدبیر سیاسی از طرف آقای هاشمی اقتضا می‌کند که اگر آقای نوری حذف شد، ایشان برای پرهیز از این اتهام و شکست در انتخابات، به عنوان اعتراض هم که شده، از شرکت در انتخابات کنار بکشند)).

رضا علیجانی مدیر مسئول نشریه ((ایران فردا)) نیز به ((عصر آزادگان)) گفته است: ((من تصور نمی‌کنم در طراحی برای محاکمه آقای نوری، کارگزاران نقش موثری داشته باشند... اما محاکمه آقای نوری بیانگر اراده‌ای است که تمامیت‌خواهان برای تشویق و تسهیل ورود آقای هاشمی به مجلس و کسب ریاست آن قائل شده‌اند. البته آقای هاشمی برای ورود به انتخابات، محاسبات زیادی خواهد کرد که یکی از آن‌ها نداشتن رقیب برای ریاست مجلس است)).

## با تهدید جناح چپ اصلاح‌طلبان به ((آبستراکسیون)) محافظه‌کاران در موفقیت خود برای تصویب قانون تازه مطبوعات دچار تردید شده‌اند

در حالی که مجلس اعلام کرده بود شور دوم بررسی طرح اصلاح مطبوعات را در دستور کار خود قرار داده است و قرار بود هفته گذشته به بررسی آن بپردازند، تهدیدات جناح چپ اصلاح‌طلبان به از اکثریت انداختن مجلس، محافظه‌کاران را به تردید انداخته و در نتیجه این طرح علیرغم اعلام پیشین، هنوز به مجلس آورده نشده است. هم‌زمان با تصمیم اکثریت مجلس برای تصویب این طرح، نمایندگان وابسته به جناح چپ و احزاب و تشکل‌های وابسته به این طیف، احتمال خروج دسته‌جمعی نمایندگان اقلیت از مجلس و از اکثریت انداختن مجلس را عنوان کردند. نمایندگان محافظه‌کار در پاسخ به آنان، ((آبستراکسیون)) را عملی که در ((شان نظام)) نیست خواندند و موحدی ساوجی در یک اظهارنظر به

نماینده‌گی از سوی اکثریت مجلس گفت: نمایندگان اقلیت نمی‌توانند تا پایان دوره مجلس پنجم از حضور در مجلس خودداری کنند و هر زمان هم که به مجلس بیایند، این طرح نیز هست. اما در پاسخ به این استدلال‌ات، اصلاح‌طلبان به نمایندگان محافظه‌کار یادآوری کردند که موضوع ((آبستراکسیون)) در نظام جمهوری اسلامی موضوعی بی‌سابقه نیست و نخستین کسانی که به این اقدام دست زدند و جلسات مجلس را از اکثریت انداختند، همان کسانی هستند که اکنون طیف محافظه‌کار مجلس را تشکیل می‌دهند و ((آبستراکسیون)) را عملی غیراخلاقی و دهن‌شان نظام می‌خوانند.

تصمیم جناح چپ به آبستراکسیون نه تنها مورد هجوم محافظه‌کاران قرار گرفت، بلکه با مخالفت کارگزاران سازندگی نیز مواجه شد. به نوشته هفته‌نامه ((جوان))، حسین مرعشی، قائم مقام دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی شایعه ترک مجلس از سوی مجمع حزب الله مجلس به هنگام طرح اصلاح قانون مطبوعات را رد کرد و گفت: ترک مجلس از سوی نمایندگان، ابزاری نیست که در شان نظام ما باشد. وی ضمن تکذیب هرگونه خبری مبنی بر تصمیم مجمع حزب‌الله مجلس برای ترک مجلس افزود: هیچ‌گونه تصمیم جمعی در این باره گرفته نشده است. با این حال تهدیدات جناح چپ اصلاح‌طلبان از یک سو و جنجالی که پیرامون محاکمه عبدالله نوری از سوی دیگر ایجاد شده است، باعث آن شد که طرح سلاخی مطبوعات که قرار بود دو هفته پیش قانونی شود، هنوز به صحن مجلس راه نیابد.

## باز هم حذف حقوق شهروندی مخالفین

مجلس شورای اسلامی در جریان تصویب لایحه مربوط به انتخابات مجلس، ماده‌ای را تصویب کرد که بر پایه آن اعضا و هواداران ((گروه‌های ضد انقلاب)) حق شرکت در انتخابات را ندارند. مجلس شورا با این مصوبه بخش دیگری از نیروهای سیاسی و اجتماعی را از شرکت در انتخابات محروم ساخت.

یکی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و شهروندی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن است. هر انسانی بر پایه حقوق بشر حق دارد در تمام انتخابات کاندید شود و یا کاندید کند. اما مجلس شورای اسلامی معلوم نیست به چه مجوزی بخود اجازه می‌دهد حقوق اولیه انسانها و حقوق شهروندی بخشی از مردم را در یک نشست و برخاست حذف کند. تصویب این ماده به این معنی است که کسانی که دارای دیدگاه و گرایش سیاسی متفاوت با گردانندگان حکومت اسلامی باشند و بخاطر آن به مبارزه دست زده باشند، از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و شهروندی محروم هستند. به عبارت دیگر تنها کسانی که این حکومت را قبول دارند، حق شرکت در انتخابات را دارا می‌باشند. این ماده حتی حقی برای افرادی که علیرغم مخالفت‌شان با حکومت اسلامی، التزام به قانون اساسی را پذیرا هستند، قائل نیست.

مدافعین سرسخت چنین تفکری عمدتاً نیروهای انحصارطلب و ارتجاعی هستند. آنها همانند مستبدین تمام کشورها بر این تصور باطل‌اند که مردم فاقد هرگونه حقوق‌اند و حاکمان هر موقع لطف کردند حقی را به مردم اعطا می‌کنند و هر موقع اراده کردند آن را پس می‌گیرند.

تحولات جهانی مستبدین و افکار استبدادی را به تدریج به فراموشخانه تاریخ می‌سپارد و از آنها بعنوان ننگ تاریخ و حیات بشریت یاد می‌کند. در مورد مستبدین حاکم بر کشور ما قبل از قضاوت تاریخ، مردم ما به قضاوت روشن دست یافته و در انتخابات دوم خرداد به آنها با ۲۰ میلیون رای جواب ((نه)) دادند. اما مستبدین هنوز هم رای بیست میلیونی مردم کشورمان را جدی نگرفته‌اند و هم‌چنان در مسند قدرت نشسته و مستبدانه حقوق مردم را سلب می‌کنند.

تاسف‌بار است که تصویب این ماده در مطبوعات وابسته به جنبش دوم خرداد بازتاب شایسته‌ای نیافت و مخالفتی نیز از جانب اصلاح‌گران حکومتی برنینگیخت. آن‌ها معمولاً در این زمینه‌ها سیاست سکوت را در پیش می‌گیرند. بهمین خاطر هر ماده‌ای که حقوق مخالفین حکومت را سلب می‌کند بدون مشکل در مجلس مورد تصویب قرار می‌گیرد. در حال حاضر در مطبوعات مستقل دفاع از حقوق نیروهای مخالف صورت نمی‌گیرد و در برخی مطبوعات که بطور کم‌رنگی از حقوق ((غیر خودی‌ها)) دفاع می‌شود، این دفاع بیشتر شامل حال نیروهای ملی - مذهبی می‌شود.

نیروهای اپوزیسیون علیرغم مصوبات مجلس، حق شرکت در هر انتخابات را جزو حقوق طبیعی و مسلم خود می‌دانند و معتقدند که مصوبات مجلس شورا که حقوق بشر و حقوق شهروندی را نقض می‌کند، از درجه اعتبار ساقط است.

## عضو شورای منتخب دانشجویان

### متحصن به دو سال و نیم زندان محکوم شد

مهدی فخرزاده، عضو شورای منتخب دانشجویان متحصن، به حکم دادگاه انقلاب به دو سال و نیم حبس تعزیری محکوم شد. وی که دانشجوی رشته تکنولوژی نساجی دانشگاه رجایی است، از فعالین جنبش دانشجویی است و در جریان تظاهرات شش روزه دانشجویان در تیر ماه گذشته، از سوی دانشجویان به عضویت در شورای منتخب متحصنین برگزیده شد. فخرزاده در بیست و ششم تیر ماه توسط دادگاه انقلاب اسلامی در شهر ملایر دستگیر شد.

به نوشته روزنامه‌ها، دادگاه فخرزاده بطور غیرعلنی و بدون حضور وکیل مدافع برگزار شده است. قاضی شعبه ۳ دادگاه انقلاب با حق فخرزاده برای داشتن وکیل مدافع مخالفت کرده است.

## هیات منصفه جدید مطبوعات برگزیده شد روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب ناراضی‌اند!

وزیر ارشاد، رئیس شورای شهر تهران و رئیس کل دادگستری استان تهران، اعضای جدید هیات منصفه استان تهران را برگزیدند. بر اساس گزارش روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۴ عضو اصلی و علی‌البدل این هیات، همگی به اتفاق آرا انتخاب شده‌اند. اعضای تازه هیات منصفه مطبوعات عبارتند از: عبدالرضا ایزدپناه، احمد پورنجاتی، حمیرا حسینی‌یگانه، جعفر شبیری، شعبان شهیدی، حبیب‌الله عسکراولادی، علی فاضلی، ابوالقاسم قاسم‌زاده، مرتضی لطفی، رجبعلی مزروعی، مهدی میرمحمدصادقی، محمد آقاناصری، غلامحسین واحدی و صدیقه وسمقی. انتخاب این هیات منصفه و وجود چهره‌های سرشناس دشمن آزادی چون عسکراولادی در آن، نارضایتی بسیاری از روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب را برانگیخت. به ویژه این که به گفته برخی روزنامه‌نگاران، هنوز وضعیت اعضای اصلی نیز روشن نیست و بسیاری از مسایل به قاضی مرتضوی، که او را قاتل مطبوعات می‌نامند، سپرده شده است.

گفتنی است که اکثریت قریب به اتفاق کاندیداهای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران برای هیات منصفه مطبوعات، از سوی این هیات سه نفره رد شده‌اند.

اکنون روشن است هیات منصفه جدید نیز در مجموعه خود، در خدمت دفاع از آزادی مطبوعات نخواهد بود. معلوم نیست آقایان مهاجرانی و دوزدوستانی که خود را وابسته به جناح اصلاح‌طلب دوم خرداد می‌دانند، با چه استدلالی به شیوه ((اتفاق آرا)) برای انتخاب هیات منصفه جدید تن داده‌اند و اگر نیز بنا را بر توافق با نماینده محافظه‌کاران گذاشته‌اند، چرا در مجموع ترکیب هیات منصفه بیشتر به سوی محافظه‌کاران و دشمنان آزادی مطبوعات سنگینی می‌کند؟

دو سال پیش آقایان مهاجرانی و کرباسچی همین اشتباه را تکرار کردند و از رای اکثریت خود در جهت ایجاد یک هیات منصفه همسو با تحولات و توسعه سیاسی و فرهنگی استفاده نکردند. نقش آن هیات منصفه در سرکوب مطبوعات و از جمله تعطیل روزنامه نشاط امروز بر همگان آشکار است. اکنون نیز با یک قاضی که دشمنی کینه‌توزانه خود را با مطبوعات نشان داده است و با هیات منصفه‌ای که از هم‌اکنون نارضایتی روزنامه‌نگاران را برانگیخته است، باید در انتظار روزهای سخت‌تری برای مطبوعات بود.

عیسی سحرخیز معاون مطبوعاتی پیشین وزارت ارشاد که زیر فشار محافظه‌کاران از مقام خود برکنار شد و اکنون سردبیر روزنامه ((اخبار اقتصاد)) است، با اشاره به تکرار اشتباه وزیر ارشاد در مورد هیات منصفه مطبوعات، در یادداشتی پیرامون این انتخاب بسیار پرسش‌برانگیز نوشت: ((آیا روزنامه‌نگاران از یک سوراخ باید دوبار گزیده شوند؟)) ما به سهم خود و به عنوان نشریه‌ای که هر چند در ایران اجازه انتشار نداریم، اما به سرنوشت آزادی مطبوعات در کشور بی‌نهایت حساس و علاقمندیم، نارضایتی عمیق خود را از این انتخاب اعلام می‌داریم. از نظر ما آقایان مهاجرانی، وزیر ارشاد و دوزدوستانی رئیس شورای شهر تهران باید به جامعه مطبوعاتی کشور توضیح دهند بر اساس کدام معیارها چنین هیات منصفه‌ای را انتخاب کرده‌اند و چرا اکثر کاندیداهای انجمن صنفی مطبوعات را از شرکت در آن محروم کرده‌اند؟

## پرونده قتل‌ها تازه است

نزدیک به یکسال از حادثه قتل فجیع نویسندگان و سیاستمداران آزادی‌خواه ایران می‌گذرد ولی هنوزم پرونده قتل‌ها در ابهام و تاریکی است و به غیر از اعلام اسامی عده‌ای از مجریان قتل و اعلام دستگیری عده دیگری، نه طراحان، سازمانگران و فتوا دهندگان قتل‌ها مشخص شده است و نه جریان قتل‌ها.

این قتل‌های فجیع، چندین ماه فضای سیاسی کشور را تحت تاثیر قرار داد و ماهها موضوع اصلی مطبوعات و محافل سیاسی بود و همچنان هست و در افکار عمومی بدرستی بعنوان پرونده ملی تلقی شده است. مردم در یک سال اخیر با حساسیت و کنجکاوی جریان قتل‌ها را تعقیب کرده و مصرانه خواستار آن بوده‌اند که مسئولین حکومتی، طراحان و سازمانگران قتل‌ها را معرفی کنند و به مجازات برسانند. مطبوعات طرفدار جنبش دوم خرداد با جدیت و پیگیری جریان قتل‌ها را بارها مطرح کرده و مقالات متعددی پیرامون آن منتشر نمودند. آنها تا حد طرح فلاحیان وزیر اطلاعات پیشین نیز جلو رفتند. نیروهای سیاسی نیز بدرجات مختلف در زنده نگه داشتن موضوع و طرح آن در سطح بین‌المللی کوشیدند. در یک سال اخیر زنده‌ترین موضوع در مطبوعات و در صحنه سیاسی کشور حادثه قتل‌های فجیع بوده است.

با وجود این تلاش‌ها و قول‌های مکرر خاتمی در این زمینه، گردانندگان حکومت همچنان حقایق را از مردم کتمان و مسببین اصلی قتل‌ها را از زیر ضرب خارج می‌کنند. مسئولین پی‌گیری قتل‌ها بشدت نسبت به درز اخبار در این زمینه عکس‌العمل نشان می‌دهند و مطبوعات را مرتباً تهدید می‌کنند.

مسئولین دادگاه نظامی تحت عناوین مختلف از جمله پیچیده، بااهمیت و حساس بودن پرونده از ارائه اطلاعات به مردم خودداری می‌کنند و تشکیل دادگاه متهمین را عقب می‌اندازند. در حالیکه نقش فلاحیان در این قتل‌ها و قتل‌های قبلی در مطبوعات مطرح شده است، دادگاه نظامی نه او را بازداشت می‌کند و نه به مردم در این زمینه توضیح می‌دهد.

بهمین خاطر هنوز سئوالات متعددی برای مردم مطرح است. ولی در عین حال در این مدت برای مردم مشخص شده است که قتل‌های زیادی در دوره ریاست جمهوری رفسنجانی صورت گرفته است. در مطبوعات رقم ۸۰ مورد قتل مطرح شده است. مردم می‌خواهند بدانند که نقش گردانندگان اصلی حکومت در این قتل‌ها چه بوده است؟ آیا آنها از این همه جنایت که در جامعه صورت می‌گرفت، از این همه توطئه قتل که علیه روشنفکران لائیک تدارک دیده می‌شد، بی‌اطلاع بوده‌اند. در حالیکه اخبار اکثر این ترورها در رسانه‌های بین‌المللی در همان موقع منعکس شده بود. و اگر اطلاع داشتند (که مسلماً اطلاع داشتند) چرا جلوی این قتل‌ها را نگرفتند؟ آیا ماموران وزارت اطلاعات بدون مجوز آنها می‌توانستند این همه مخالفین را بکشند؟ آنچه مسلم است کسانی که در قتل‌های دیروز نقش داشتند، امروز اجازه نمی‌دهند که پرونده قتل‌های سال گذشته بروشنی و شفافیت در جامعه طرح شود. آنها خوب می‌دانند که این رشته سر دراز دارد. فلاحیان تهدید کرده است در صورتی که پای او را به میان بکشند، او نیز پای رئیس خود را بمیان خواهد کشید.

تا زمانی که طراحان، سازمانگران و فتوا دهندگان قتل‌ها مشخص نشوند، تا زمانیکه جریان قتل‌های سال قبل و قتل‌های دوره رفسنجانی روشن نشود، تلاش آزادیخواهان و اصلاح‌طلبان ادامه خواهد یافت و موضوع همچنان بطور زنده مطرح خواهد بود. قاتلین نمی‌توانند همیشه چهره خود را پنهان نگهدارند و حکومت اسلامی نیز نمی‌تواند این پرونده را به بوته فراموشی بسپارد. این پرونده سالها زنده خواهد بود و دامن حکومتگران را خواهد گرفت. عملکرد سازمان قضایی نیروهای مسلح که یک سال است این پرونده را به درازا کشانده و هنوز آن را تقریباً در همان مراحل آغازین نگاه داشته است، به خوبی نشان می‌دهد که این سازمان و قوه قضاییه جمهوری اسلامی نمی‌خواهد ریشه‌های این پرونده را روشن کند و خواست نیروهای اپوزیسیون و خانواده‌های قربانیان برای اعزام یک هیات بین‌المللی تحقیق به ایران، همچنان بر جای خود باقی است.

## پدر رفیق مهدی فتاپور در تهران به قتل رسید

شامگاه چهارشنبه گذشته، آقای حسن فتاپور، پدر رفیق مهدی فتاپور در برابر خانه خود مورد سوقصد قرار گرفت و به قتل رسید. او یکی از بازاریان سرشناس تهران بود و در خیابان خرمشهر زندگی می‌کرد. کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کردند که وی بر اثر اصابت گلوله‌ای به گلویش به قتل رسیده است. به گزارش شاهدین، ضاربین دو نفر بوده‌اند. نیروی انتظامی اعلام کرده که حادثه را تحت بررسی قرار داده است.

به همین مناسبت، دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطلاعیه‌ای منتشر کرد که در زیر می‌خوانید:

### اطلاعیه مطبوعاتی

بدین وسیله به اطلاع عموم می‌رساند که آقای حاج حسن سیگاری (فتاپور) پدر رفیق مهدی فتاپور، عضو شورای مرکزی و هیات سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شب گذشته در تهران مورد سوقصد قرار گرفته و جان باخته است. بنا به تحقیق پلیس محلی تهران، ضارب با اسلحه‌ای مجهز به صدخفه‌کن ایشان را هنگام ورود به منزل مسکونی از پای درآورده و سپس به وسیله موتورسیکلت از محل گریخته است. از قرائن پیداست که ضارب حاج حسن را شناسایی کرده و در حوالی منزل، ورود او را انتظار می‌کشیده است.

قتل ساعت ۸ شب چهارشنبه ۲۸ مهر ماه (۲۰ اکتبر) اتفاق افتاده است. فرزندان، بلافاصله پدر را به بیمارستان می‌رسانند اما تلاش پزشکان به نتیجه نمی‌رسد و حاج حسن سیگاری حدود ساعت ۱۲ شب جان می‌بازد.

تاکنون هیچ انگیزه‌ای برای ارتکاب این جنایت هولناک برای ما قابل تشخیص نیست. تنها مسلم است که هدف مشخصاً قتل بوده است. قاتل با قصد و نقشه قبلی دست به این جنایت زده و کاملاً حرفه‌ای عمل کرده است.

حاج حسن سیگاری شخصاً فاقد هرگونه پیشینه یا حرکت سیاسی بوده است. حاج حسن سیگاری از بازاریان خوشنام، بسیار معتبر، سرشناس و قدیمی بازار تهران بوده است. او سال‌های ۷۰ عمر خود را می‌گذرانید و بیش از ۶۰ سال را در بازار به کار و تجارت مشغول بوده است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این جنایت هولناک را به شدت محکوم می‌کند و خواهان آن است که عامل یا عاملین آن هرکه باشند هرچه زودتر شناسایی و دستگیر و مجازات شوند. شورای مرکزی این فقدان بزرگ را به رفیق مهدی فتاپور و همه بستگان صمیمانه تسلیت می‌گوید.

**دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

**پنج‌شنبه ۲۱ اکتبر ۱۹۹۹ (۲۹ مهر ماه ۱۳۷۸)**

**کارکنان نشریه ((کار)) این حادثه تکان‌دهنده و تاسف‌بار را به**

**رفیق مهدی فتاپور و اعضای خانواده محترم او صمیمانه تسلیت می‌گویند.**



## با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90  
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>  
[fadai.aksariyat@magnet.at](mailto:fadai.aksariyat@magnet.at)

آدرس کار در اینترنت :  
آدرس پست الکترونیکی :

**I.G.e.v** : آدرس پستی  
**Postfach 260268**  
**50515 Köln**  
**Germany**

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان  
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک  
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

### فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید  تمدید اشتراک  شماره اشتراک :  
مدت اشتراک : شش ماهه  یک ساله  تاریخ :

Name: ..... نام :

Address: ..... نشانی :

.....  
.....  
.....  
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)  
به آدرس فوق پست کنید!

**I.G.e.v** : دارنده حساب  
**22 44 20 32** : شماره حساب  
**37 05 01 98** : کد بانک  
**Stadtsparkasse** : نام بانک  
**Köln**  
**Germany**